

3817



۲۱۲

۴۵

www.Ketab.ir

چهار اثر از فلورانس اسکاول شین

بازی زندگی و چگونگی انجام آن

کلام تو عصای جادویی توست

در مخفی کامیابی

قدرت کلام

مینا امیری

سرشناسه	: شین، فلورانس اسکاول، - ۱۹۴۰م.
عنوان و نام پدیدآور	: چهار اثر از فلورانس اسکاول شین: بازی زندگی و چگونگی انجام آن.../فلورانس اسکاول شین]؛ مینا امیری.
مشخصات نشر	: قم ناشر مؤلف، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۲ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-622-00-1223-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: The complete writings of Florence Scovel Shin for women, 2003.
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف، توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: تفکر نوین New thought
شناسنامه رده	: امیری، مینا، ۱۳۴۷ - مترجم
رده‌بندی کلاسیک	: ۱۳۹۷ چ ۹۱/ش ۱۶۱۱/BF
رده‌بندی دیویی	: ۱۳۴۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۳۴۲۲۱

چهار اثر از فلورانس اسکاول شین

نوشته‌ی: فلورانس اسکاول شین

ترجمه‌ی: مینا امیری

ناشر: مؤلف

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروف‌نگاری: آبان گرافیک

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۰۰ - ۱۲۲۳ - ۸

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان



سازمان نشر فرهنگ

مركز پخش

تهران: انتشارات

خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۵۲۳۱۵

۶۶۹۷۲۸۱۷

۶۶۴۷۹۴۳۲

۶۶۴۹۵۸۸۷

فهرست مطالب

۹	زندگی نامه فلورانس اسکاول شین
۱۳	کتاب بازی زنی و چگونگی انجام آن
۱۵	بازی
۲۴	قانون رفاه
۳۱	قدرت کلام
۳۹	قانون عدم مقاومت
۴۹	قانون کارما و بخشش
۵۸	واگذاری مسئولیت
۶۷	عشق
۷۷	الهام یا هدایت
۸۷	بیان کامل نفس
۹۸	انکارها و تأییدها
۱۰۷	انکارها و تأکیدها
۱۰۹	کتاب ۲: کلام تو عصای معجزه گر توست
۱۱۱	کلام تو عصای معجزه گر توست
۱۱۱	کامیابی
۱۲۰	رفاه
۱۲۲	شادمانی



۱۲۵	 عشق
۱۲۷	 ازدواج
۱۲۹	 بخشش
۱۳۰	 جملات خردمندانه
۱۳۲	 ایمان
۱۳۷	 فقه
۱۳۹	 فرض
۱۴۱	 فرس
۱۴۲	 گفت و نواها
۱۴۳	 هدایت
۱۴۵	 حمایت
۱۴۶	 حافظه
۱۴۷	 طرح و مشیت الهی
۱۵۰	 تندرستی
۱۵۲	 دیدگان
۱۵۴	 کم خونی
۱۵۵	 شنوایی
۱۵۶	 رماتیسم
۱۵۷	 بیماری های دروغین ذهنی
۱۵۸	 بیماری های قلبی
۱۵۹	 ترس از حیوانات
۱۶۰	 عناصر طبیعی
۱۶۱	 آتش
۱۷۰	 نتیجه گیری
۱۷۱	 کتاب ۳: در مخفی کامیابی
۱۷۳	 در مخفی کامیابی



۱۷۹	خشتهای بی کاه
۱۸۶	و پنج تن از آن‌ها خردمند بودند
۱۹۴	چه انتظار دارید؟
۱۹۹	بازوی بلند پروردگار
۲۰۶	پرواهی‌ها
۲۱۳	گذشتن از دریا
۲۱۹	نهبان دروازه
۲۲۵	راه نروغ و خروغی
۲۳۲	هرگز در تنگنا قرار نخواهم گرفت
۲۳۹	به دیدهای معجزه‌بخش
۲۴۶	شادکامی خویش را دست آورید
۲۵۲	رودهایی در کویر
۲۵۸	تفسیر معنوی سفید برفی و مفت‌موتوله
۲۶۱	کتاب ۴: قدرت کلام
۲۶۳	آموزه‌های فلورانس اسکاول شین
۲۶۵	حرف‌هایی که از آن غافلیم
۲۷۲	به تو قدرت عطا می‌کنم
۲۸۱	قوی باش و هرگز نه‌راس
۲۹۱	عظمت خداوند
۲۹۹	آرامش و رفاه
۳۰۴	پیروزی و رضایت‌خاطر



«فلورانس اسکاول شین» در بیستم سپتامبر ۱۸۷۱ در شهر کمدن نیوجرسی به دنیا آمد. خانواده‌ی مادریش یکی از خانواده‌های میلی آمریکایی بودند. مادرش «امیلی هاپکینسون» اهل پنسیلوانیا بود و پدرش «الدن کارتلن اسکاول» مردی از نیوآمستردام بود و به حرفه‌ی وکالت مشغول بود. فلورانس یک خواهر بزرگ‌تر و یک برادر کوچک‌تر از خودش داشت.

مادربزرگش «فرانسیس هاپکینسون» از اعضای خانواده‌ی «سن فیلادلفیا» بود که نسبت خانوادگی با «جورج واشنگتن» نیز داشت. مادربزرگ که خود زنی قوی، رزمند، سیاستمدار و نویسنده بود، یکی از اعضای کنگره‌ی محلی بود. او در نوجوانی، نطحات از سرود «درود بر کلمبیا» را سروده بود. او نماینده‌ی کنگره شد و بعد از مدتی به مقام قضاوت در دولت مرکزی نائل شد.

فلورانس اسکاول شین در کودکی به نقاشی علاقه‌ی زیادی داشت و بیشتر طرح‌هایی که توسط او کشیده شده است، تصاویری از بانوان زیبا و مهربان هستند. او ابتدا در حاشیه‌ی این نقاشی مطالب کوچکی یادداشت می‌کرد، اما بعدها فقط به امضایی بسنده می‌کرد.



فلورانس تحصیلات ابتدایی خود را در فیلادلفیا به اتمام رسانده بود و بعد از آن به دانش‌سرای عالی هنرهای زیبای پنسیلوانیا رفت. در هنگام تحصیل با «اورت شین» آشنا شد. چندی بعد این آشنایی به ازدواج منجر شد. او در آثار نقاشی خود سبک «واقع‌گرا» را دنبال می‌کرد. بسیاری از آثارش در نمایشگاه‌ها مدت‌های مدیدی به نمایش گذاشته می‌شد. شرح شورانگیز آشنایی و ازدواج آن‌ها از زبان «ایرا گلاکنز» ررند «ویلیام گلاکنز» نقاش، بسیار شنیدنی است.

فلورانس در خانواده‌ای نسبتاً متوسط به دنیا آمد. تنها میراثی که از گذشتگان به او رسیده بود، یک سکه و یک دسته موی جورج واشنگتن بود که بعد از مدت‌ها در اثر باز شدن درم و ریختن دست‌هایشان کم‌کم از تعداد موها کاسته شد و در آخر دیگر چیزی از آن باقی ماند. منگ‌می که با اورت شین آشنا شد، او پسری پرادعا و مغرور بود ولی وقتی که برای دیدن افراد خانواده‌ی فلورانس به دیدار آن‌ها رفت از این‌که جوابی برای شغل خود نداشت، احساس خجالت کرد. یک هنرمند؟! آیا هنر می‌تواند شغل محسوب شود؟!

او بعد از اتمام دوران تحصیل با «اورت شین» ازدواج کرد. حالا فلورانس عضو «گروه هشت» بود. گروهی که بعد از برگزاری نمایشگاه مفاهیم تاریخی در آن دوران بسیار معروف شده بودند. آن‌ها گروهی بودند که «اشی اکشن» را بنیان نهادند. سبک این گروه خلق تصاویر واقع‌گرایانه از زندگی بود.

اعضای این گروه به ثبت وقایع و رویدادهای خالصی داشتند. در یادداشت‌های آنان بسیاری از جهات شخصیتی فلورانس نیز منعکس شده است. آن‌ها که او را «فلوسی» خطاب می‌کردند، بعد از مرگش بسیاری از زوایای زندگی و شخصیتی‌اش را توضیح می‌دادند. آقا و خانم شین پس از مدتی به نیویورک مهاجرت کردند و فعالیت‌های هنری خود را آغاز نمودند. این بار هر یک سیاست خاص خود را اتخاذ می‌دادند. اورت که به تئاتر نیز علاقه داشت. در پشت خانه‌اش، سالن کوچکی برای کارهای خود درست کرد. او به طراحی صحنه نیز علاقه داشت و کارهای طراحی تئاترهای خود را اجرا می‌کرد. سه نمایشنامه نوشت که نقش اصلی آن‌ها را همسرش اجرا کرد.



او بعد از آمدن به نیویورک به واسطه‌ی شرکت در محافل و شب‌نشینی‌ها و گفت‌وگوهای که انجام می‌داد، مورد توجه دوستانش قرار گرفت و احساس کرد که نه تنها در زمینه‌ی نقاشی بلکه در هنر تئاتر و نمایش نیز استعداد دارد. در یکی از مهمانی‌ها، عنوان شده بود که هر شخص با الهام از یک کتاب، لباسی را بپوشد. او لباس ساده‌ای را با الهام از کتاب «آسیاب رودخانه‌ی فلاس» پوشیده که خودش طراحی کرده بود.

فلورانس در زمینه‌ی مصورسازی کتاب‌های کودکان نیز فعالیت داشت. او آثار خود را به ماسکینو، استاد معروف می‌کرد. این کارش را فقط به خاطر تمایز از آثار شوهرش انجام می‌داد. همسرش اورت بعد از چهارده سال زندگی مشترک، از او جدا شد. این جدایی ضربه‌ی روحی بزرگی برای فلورانس محسوب می‌شد. در پی این تغییر در زندگی‌اش، تغییری در روحیه‌اش نیز به وجود آمد. او تبدیل به فردی واقعاً مذهبی شد. تغییری که در پرتوی «پندار نو یا آیین یگانگی» به وجود آمد.

بعد از تمرکز روی افکار جدانشده، کتابی تحت عنوان «بازی زندگی و چگونگی انجام آن» نگاشت. هیچ ناشری حاضر به چاپ آن نشد. بالاخره با سرمایه‌ی خود اقدام به چاپ این اثر کرد.

فلورانس در یک آپارتمان، مشرف به سنترال پارک زندگی می‌کرد. اورت گاهی به او سر می‌زد. در یکی از این ملاقات‌هایش به او گفت که نصیب رنج و آوارگی دارد، البته اورت سه بار قبلاً این کار را انجام داده بود. فلورانس برای اورت دعا و تئوری برقراری راهش کرد. اورت با این همسرش نیز نتوانست ادامه دهد. بعد از جدایی از وی در نهایت از دنیا رفت. فلورانس به عنوان معلم علوم ماورای طبیعت و نوشتن و تدریس در این رشته پرداخت. او در سال ۱۹۲۸ کتاب «کلام تو عصای معجزه‌گر توست» را نگاشت. فلورانس حالا به سخنرانی‌های خود در این باب ادامه می‌داد و کتاب سوم مجموعه‌ی سخنرانی‌هایش را به عنوان «در مخفی کامیابی» در سال ۱۹۴۰ به چاپ رسانید و آخرین کتابش «قدرت کلام» که گزیده‌ای از تمام سخنرانی‌ها و افکارش بود که در سال ۱۹۴۵ بعد از مرگش، یکی از دانشجویانش آن را به چاپ رساند. کتاب‌های او در انجمن وحدت نیویورک، جایی که فلورانس سخنرانی‌هایش را انجام



چهار اثر از فلورانس اسکاول شین

می‌داد، عرضه می‌شد.

دبیر انجمن «ارنست ویلسن» درباره‌ی فلورانس می‌گفت:

«او متن سخنرانی‌هایش را از قبل آماده نمی‌کرد، چون جلساته‌اش بیشتر پرسش و پاسخ بود. شهریه‌ی کلاس‌هایش و هزینه‌های مشاوره، پولی بود که او امورات خود را از آن طریق می‌گذراند. کتاب‌هایش به‌قدری پربار و کامل بودند که هر یک از ما به‌نوعی آن‌ها را در زندگی خود پیاده می‌کنیم و از عباراته‌اش بهره می‌گیریم.»

«هم من و لهرن» عقیده دارد که «امت فاکس» که یک دانشمند بزرگ ماورالطبیعه است، در بیان به این راه مدیون حرف‌ها و افکار فلورانس است. امت در مدتی که فلورانس اسکاول سین به تعطیلات رفته بود، در کلاس‌هایش حاضر شد و شروع به سخنرانی کرد. اگرچه این کارش باعث دلخوری بسیاری گردید ولی باز هم امت به حرف‌هایش ادامه داد و تنها به یادآوری نام فلورانس به‌عنوان یک معلم پیشرفت و موفقیت یاد کرد. راز فلورانس اسکاول شیر مردمی بودن، مهربان، دلسوز و شوخ‌طبع و غیررسمی بودنش بود.

نحوه‌ی سخنرانی روان و شیرین و عام استفاده از کلمات سخت و ادبی یکی از دلایلی بود که عامه‌ی مردم می‌توانستند با صحبت‌هایش ارتباط برقرار کنند و به خواندن کتاب‌هایش علاقه‌مند شوند. راه‌هایی که او در مشاوره‌های خود ارائه می‌داد، راه‌کارهایی عملی بودند که او در زندگی روزمره آن‌ها تجربه کرده بود.

کسی از علت مرگش خبری ندارد. تمام اموالش بعد از مرگش به فروش رفت! «ادیت گلاکنز» یکی از دوستانش به‌محض اطلاع از فروش و این فلورانس در محل حضور پیدا کرد و موفق به خرید چند تابلوی نقاشی‌اش شد که بعدها یکی دو تا از این تابلوها را به کتابخانه‌ی کنگره‌ی آمریکا هدیه داد.

فلورانس اسکاول شین در ۱۷ اکتبر سال ۱۹۴۰ در سن ۶۹ سالگی دار فانی را وداع گفت. ایرا گلاکنز در این باره می‌گوید: «فلورانس روزی به اتاق خود رفت و روی صندلی نشست و آرام به خوابی ابدی فرو رفت.»

اگرچه فلورانس از دنیا رفته است، ولی بسیاری از شاگردانش با آموختن درس‌های او به ادامه‌ی «بازی زندگی» پرداخته‌اند.

